

کمر بند اقتصادی و فرهنگی جاده ابریشم نمود توسعه تعاملات بین‌المللی دو تمدن ایران و چین در منطقه

چکیده

افزایش تحولات جهانی منجر به تعداد بیشتری از مسائل در دستور کار دیپلماتیک و تغییرات گسترده در استراتژی قدرت‌های بزرگ شده است. در این پژوهش با ترکیب نظریات وابستگی متقابل پیچیده و مطالعه فرآیندهای شکل‌گیری استراتژی بزرگ، تأثیر افزایش حجم، سرعت و تنوع تعاملات درون جامعه بین‌المللی بر ساخت استراتژی‌های بزرگ را مورد بررسی قرار خواهد داد. ایده بنیادی مقاله روی استراتژی‌های «یک کمر بند، یک راه»، «نخست آمریکا» و «اتصال منطقه‌ای ایران» بنا شده است. فرضیه اصلی بر این پایه استوار است که افزایش میزان وابستگی متقابل پیچیده، توانایی قدرت‌های بزرگ را برای فرموله‌سازی استراتژی بزرگ و تنظیم داینامیک‌های رقابتی و همکاری به‌طور منسجم کاهش داده به نحوی که استراتژی بزرگ خود را برخلاف فرهنگ استراتژیک خود اتخاذ و اجرایی نموده‌اند که این امر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر استراتژی بزرگ ایران داشته است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی تأثیر استراتژی قدرت‌های بزرگ برخلاف فرهنگ استراتژیک در رویکردهای منطقه‌ای و بین‌المللی ایران.
۲. بررسی نقش کمر بند اقتصادی و فرهنگی جاده ابریشم در تعاملات بین‌المللی ایران و چین در منطقه.

سؤالات پژوهش:

۱. چرا قدرت‌های بزرگ، استراتژی بزرگ خود را برخلاف فرهنگ استراتژیک خود بنا نهاده‌اند؟
۲. نقش کمر بند اقتصادی و فرهنگی جاده ابریشم در تعاملات بین‌المللی ایران و چین در منطقه چیست؟

کلیدواژه‌ها: وابستگی متقابل پیچیده، نخست آمریکا، استراتژی بزرگ، اتصال منطقه‌ای.

مقدمه

استراتژی بزرگ شامل روش‌ها و ابزارها، جهت‌گیری‌ها و استفاده از کل دارایی‌های دیپلماتیک، نظامی و اقتصادی دولت در حمایت از اهداف سیاسی خود در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. این مقاله از طریق بررسی تعامل ایالات متحده آمریکا با جمهوری خلق چین نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از ویژگی‌های سیستمیک بهره برد و فرآیند شکل‌گیری استراتژی درون دولت را تغییر داد (Gourevitch, ۱۹۷۸: ۳۲, ۴). افزایش پویایی جهانی منجر به تعداد بیشتری از مسائل در دستور کار دیپلماتیک می‌شود و یک سمفونی ناهماهنگ از بازیگران را شکل می‌دهد که به دنبال تأثیرگذاری بر فرآیند ایجاد استراتژی بزرگ هستند. در نتیجه این پراکندگی در فرآیند شکل‌گیری استراتژی، توانایی قدرت‌های بزرگ برای ایجاد یک سیاست متمرکز به صورت بالقوه را کاهش می‌دهد. به طور خاص، این مقاله ادعا می‌کند که افزایش حجم، سرعت و تنوع تعاملات بین‌المللی ضمن افزایش بخش‌های درگیر در دستور کار دیپلماتیک باعث ایجاد بازیگران و منافع جدید می‌شود (Albert, ۲۰۱۶).

بازیگران دولتی، فرادولتی، و اجتماعی در تولید الزامات متناقض، افزایش پیچیدگی و مشکلات هم‌پایگی با یکدیگر برخورد می‌کنند. نتیجه، پراکندگی روندی خواهد بود. تجزیه و تحلیل استراتژی بزرگ، به نوبه خود، پراکندگی اساسی را نیز در سیاست ایجاد می‌کند: گرایش به اهداف اشتباه (یعنی اهداف سیاسی)، شیوه‌های اشتباه (یعنی ابزارهای قدرت) و ابزار اشتباه (یعنی منابع).

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. نوزده تن از اندیشمندان سیاسی، به خصوص مکتب انگلیسی از جمله آلبرت، بوزان، جونز، لیتل، راگی، نای، کوهن و سایرین پیامدهای افزایش حجم، سرعت و تنوع تعاملات را در سطح جامعه بین‌المللی بررسی کرده‌اند. با این حال، هیچ مطالعه‌ای به طور خاص تأثیر وابستگی متقابل پیچیده را بر استراتژی بزرگ قدرت‌های بزرگ مورد بررسی قرار نداده است. این مقاله به دنبال پرکردن این شکاف با ترکیب وابستگی متقابل پیچیده و مطالعه فرآیندهای شکل‌گیری استراتژی بزرگ است. ما منطقی را به شرایط اساسی تشکیل استراتژی توسعه داده‌ایم. در نهایت، نگارندگان بر این اعتقادند که این ویژگی سیستمیک سبب شده تا ایالات متحده آمریکا از استراتژی کهن «هژمونی جهانی» عبور کرده و سیاست «نخست آمریکا» را در پیش بگیرد و جمهوری خلق چین نیز استراتژی توسعه طلبانه «دیپلماسی پیرامونی» را در قالب «روژه راه ابریشم جدید» برخلاف فرهنگ «ضدهژمونیک» خود کلید زده است. این تغییر از سوی قدرت‌های بزرگ به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر تقویت استراتژی اتصال منطقه‌ای ایران مؤثر بوده است که در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت. لذا در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه انجام شده، این مسئله بررسی می‌شود.

نتیجه‌گیری

این مقاله چگونگی افزایش تراکم، سرعت و تنوع تعاملات درون جامعه بین‌المللی و همچنین چگونگی شکل‌گیری استراتژی قدرت‌های بزرگ را مورد بررسی قرار داده است. با ترکیب مفاهیم وابستگی متقابل پیچیده، مکنب انگلیسی روابط بین‌الملل و مطالعه فرآیندهای تصمیم‌گیری استراتژیک نشان دادیم که چگونه وابستگی متقابل پیچیده باعث ایجاد انحراف در تدوین استراتژی بزرگ برای قدرت‌های بزرگ گردیده و به‌عنوان ویژگی‌های سیستمیک قرار گرفته است. این مقاله استدلال کرده‌است که با افزایش وابستگی متقابل پیچیده، به‌عنوان یک ویژگی سیستمیک، نهاد مدیریت قدرت‌های بزرگ به‌طور جدی تضعیف گردیده، استراتژی‌های بزرگ دچار تغییرات اساسی می‌شوند که البته از فرهنگ سیاسی قدرت‌های بزرگ فاصله بسیار دارند.

قدرت‌های بزرگ در نظم بین‌المللی از طریق مدیریت روابط خود با یکدیگر به‌وسیلهٔ محدودیت دوجانبه (مدیریت بحران و محدودیت جنگ) و همچنین با بهره‌برداری از وضع موجود، نقش‌آفرینی می‌نمایند. از طرفی این دو نقش اصلی یا کارکردی مدیریت قدرت‌های بزرگ (محدودیت‌های متقابل و مرکز‌گرایی)، به‌هم متصل هستند: گام‌هایی که قدرت‌های بزرگ برای مدیریت روابط خود با یکدیگر به‌طور مستقیم در قالب تلاش برای تأمین مرکز‌گرایی در امور جامعه بین‌المللی به‌عنوان یک کل برمی‌دارند و همچنین گام‌هایی که آن‌ها برای بهره‌برداری از برتری خود در رابطه با بقیه بازیگران جامعه بین‌المللی در نظر می‌گیرند، در واقع، قسمتی از مدیریت آن‌ها در ارتباط با دیگران است هر شکست در توانایی یک دولت برای ایجاد یک استراتژی روشن و منسجم در برابر دیگری اصطکاک بین این دو را ایجاد می‌کند. در حقیقت، این شکست باعث ایجاد سردرگمی استراتژیک و به‌طور بالقوه مانع مدیریت قدرت‌های بزرگ می‌شود و خطرات ناشی از محاسبه غلط، ارسال پیام اشتباه و پیامدهای ناخواسته را افزایش می‌دهد. بر همین اساس، می‌توان مشاهده نمود که استراتژی‌های اول آمریکا و دیپلماسی پیرامونی در قالب پروژه راه ابریشم جدید چین کاملاً برخلاف فرهنگ سیاسی این دو کشور که به ترتیب مبتنی بر هژمون‌محوری و عدم هژمون‌محوری جهانی بنیان‌گذاری شده بود پیش رفته است. ایالات متحده در حال فرورفتن در خود و جمهوری خلق چین در حال شکوفایی است. این امر به‌وضوح از تأثیر معکوس فاکتورهای حساسیت و آسیب‌پذیری در نظام ادراکی رهبران دو کشور حکایت دارد. از یک‌سو، رشد روزافزون جمهوری خلق چین باعث افزایش میزان حساسیت و آسیب‌پذیری آمریکا و نهایتاً حرکت این کشور به‌سمت درون شده است. از سوی دیگر، سبب حرکت چین به‌سمت بیرون و اتخاذ دیپلماسی پیرامونی گردیده است.

در این راستا، دولت آمریکا به‌منظور کاهش بسیاری از هزینه‌ها، از بسیاری از پیمان‌های بین‌المللی نظیر برجام خارج شده که این امر متغیر مداخله‌گر تحریم را دوباره و با شدت بیشتری برای ایران فعال ساخته و ایران را به‌سمت استراتژی اتصال منطقه‌ای با ویژگی‌هایی همچون اتکا به توانمندی‌های داخلی، گسترش ارتباطات و اتصالات سرزمینی با همسایگان، تز منطقه قدرتمند به‌جای قدرت منطقه‌ای و تبدیل‌شدن به قدرت اول منطقه سوق داده است. از سویی، استراتژی توسعه‌طلبانه چین در قالب پروژه یک کمربند یک راه با ویژگی‌های اتصال سرزمینی در

قالب خطوط ریلی، دریایی و جاده‌ای به‌عنوان کاتالیزوری برای استراتژی بزرگ ایران قلمداد می‌گردد. بنابراین در دوره معاصر نیز راه ابریشم نقش جدی در مناسبات و تعاملات دو کشور ایران و چین بازی می‌کند.

منابع و مأخذ:

- برزگر، کیهان. (۱۳۹۶). «نظم چندجانبه‌گرا». روزنامه شرق.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۵). «تضاد نقش‌ها: بررسی ریشه‌های منازعه ایران و آمریکا بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر». راهبرد، شماره ۳۹، ۱۷۰-۱۴۵.
- برزگر، کیهان. (۱۳۸۷). «ایران، خاورمیانه و امنیت بین‌الملل». مجله سیاست خارجی، شماره ۳، ۶۶۵-۶۴۵.
- برزگر، کیهان. (۱۳۹۷). «عصر ائتلاف‌ها گذشته است». ماهنامه عصر اندیشه، شماره ۱۸، ۱.
- برزگر، کیهان. (۱۳۹۷). «راهبرد سیاست خارجی ایران در توازن قوای منطقه‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، ۱۸۳-۲۰۵.
- پاشازانوس، حمیدرضا. (۱۳۹۵). «تماس‌های فرهنگی ایران و چین: نقش هخامنشیان و سغدیان در شکل‌گیری و توسعه جاده ابریشم». فصلنامه روابط خارجی، شماره ۶۸ و ۶۹، ۳۴-۵.
- ریاحی، حکمت‌اله؛ یوسف جمالی، محمدکریم و بوشاسب گوشه، فیض‌اله. (۱۳۹۶). «نقش راه ابریشم در تبادل فرهنگی و تجاری ایران و چین در دوره ساسانی». پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، دوره ۱۳، شماره ۲۴، ۱۱۲-۹۱.
- سلیمی، حسین. (۱۳۵۴). نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن. تهران: سمت.
- سلیمی، حسین؛ رحمتی‌پور، لیلا. (۱۳۹۳). «مطالعه مقایسه‌ای فرهنگ استراتژیک چین و آمریکا». فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳، ۲۳۶-۱۹۷.
- سلیمان‌زاده، سعید؛ امیدی، علی و براتی، سحر. (۱۳۹۷). «راهبرد سیاست خارجی ترامپ: هیبرید نو انزواگرایی-واقع‌گرایی». فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۲۸، ۲۸۳-۲۶۹.
- شریعتی‌نیا، محسن؛ عزیزی، حمیدرضا. (۱۳۹۶). «همکاری ایران و چین در کمربند اقتصادی جاده ابریشم». دوره ۹، شماره ۴، ۲۹-۷.
- غنی‌لو، معصومه؛ جعفری، فرشید و وثوقی، سعید. (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی مفاهیم روابط بین‌الملل از منظر رئالیسم و مکتب انگلیسی». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۴۱، ۵۹-۴۱.
- Albert, M. (۲۰۱۶). A Theory of World Politics (Cambridge: Cambridge University Press, ۲۰۱۶), ch. ۲۵
- Allison, G. (۲۰۱۷). Destined for War: Can America and China Escape Thucydides's Trap?, New York: Houghton Mifflin Harcourt, Appendix ۱.
- Art, R. J. (۲۰۱۳). A grand strategy for America. Cornell University Press.
- Buzan, B. (۲۰۰۴). From International to World Society: English School Theory and the Social Structure of Globalization (Cambridge: Cambridge University Press).

- Chen, D. (2008). Complexity and transformational structure of China-US relations', in Suishen Zhao (ed.), *China-US Relations Transformed: Perspectives and Strategic Interactions*, New York: Routledge, p. 28.
- David Ausserwald, 'The evolution of the NSC process', in Roger George and Harvey Rishikof (eds), *The*
- Dietrich, J. (1999). Interest groups and foreign policy: Clinton and the China MFN debates, *Presidential Studies Quarterly*, 29:2, pp. 280-96.
- Durkheim, E. (1968). *The Rules of Sociological Method* (New York: Free Press, 1968), p. 110.
- Garrison, J. (2007). Managing the US-China foreign economic dialogue: Building greater coordination and new habits of consultation, *Asia Policy*, 5, pp. 167-8.
- Glaser, B. (2013). The diplomatic relationship, in Shambaugh, *Tangled Titans*, p. 101.
- Hedley Bull, (1977). *The Anarchical Society* (Basingstoke: Palgrave, 1977), pp. 9, 13.
- Hocking, B. (1998). Adaptation and the foreign policy bureaucracy: the experience of federal states, *Diplomacy and Statecraft*, 9:1, p. 47.
- Kissinger, H. (1975). A new national partnership, *The Department of State Bulletin*, 186 (17 February 1975), p. 199.
- Lautz, T. (2013), The cultural relationship, in Shambaugh, *Tangled Titans*, pp. 211-33.
- Morrison, W. (2013). US-China Trade Issues, Congressional Research Service (17 July 2013), p. 2.
- Morse, E. (1976). *Modernization and the Transformation of International Relations* (New York: Free Press).
- Peter Gourevitch. (1978). The second image reversed: the international sources of domestic politics, *International Organization*, 32:4
- Risse-Kappen, T. (1990). Bringing transnational relations back in: Introduction, in Thomas Risse-Kappen (ed.), *Bringing Transnational Relations Back In: Non-State Actors, Domestic Structures and International Institutions* (Cambridge: Cambridge University Press), p. 4.
- Schweller, R. 'The age of entropy: Why the new world order won't be orderly', *Foreign Affairs* (16 June 2014).
- Suettinger, R. (2003). *Beyond Tiananmen: The Politics of US-China Relations, 1949-2000*, Washington, DC: Brookings Institution Press, p. 426.
- Tan, Q. (1992). *The Making of US China Policy: From Normalization to the Post-Cold War Era*, Boulder, CO: Lynne Rienner.